

# نهادهای صنفی روزنامه‌نگاران نهال‌هایی که باید «بارور» و «تنومند» شوند

## لیلا رستگار

«حیرت‌آور» و «باورنکردنی» مناسب‌ترین صفت‌هایی است که می‌توان برای وضعیت امروز تشکل‌های صنفی مطبوعاتی در ایران به کار برد!

«حیرت‌آور»، از آن جهت که قلم به‌دستانی که داعیه گرفتن حقوق همه مردم را دارند، این چنین در احقاق ابتدایی‌ترین حقوق خویش ناتوان بوده‌اند و «باورنکردنی»، به این دلیل که در همین وضعیت «حیرت‌آور» نیز، در گام‌های اولیه چنان حرکت‌هایی انجام گرفته است که موضوع را به یک ماجرای باورنکردنی تبدیل می‌کند.

تعجب می‌کنید که گزارش با این واژه‌ها شروع شده است؟ اما تعجب نکنید، شاید اگر شما هم به جای من این سوژه را تعقیب می‌کردید، واژه‌هایی صریح‌تر و تندتر به کار می‌بردید!

پیش از آنکه مرا متهم کنید، خود می‌گویم: «ضد تشکل صنفی نیستم»، «ضرورت ایجاد تشکل‌های صنفی را درک می‌کنم»، «وابستگی جناحی هم ندارم»، «خیلی بیشتر از بعضی‌ها نیاز به یک انجمن صنفی قوی دارم تا بتوانم ابتدایی‌ترین حقوق خودم را بگیرم» از ضرورت‌های عینی و ذهنی و شرایط و محدودیت‌ها و امکانات هم چیزهایی

می‌فهمم؛ اما هیچ‌یک از این ادعاها موجب نمی‌شود که تنها گوشه‌ای از آنچه را دیدم و شنیدم، به شما منتقل نکنم.

به نظر شما اگر شنیده‌ام که «رئیس هیأت‌مدیره یک انجمن صنفی مطبوعاتی با خبرنگاری گلاویز شده است» به این دلیل که خبرنگار در ماجرای، نام او را برده نباید حیرت کنم؟! یا اگر خبرنگاری بگوید: «در اولین جلسه ... خبرنگاران بدون اینکه اساسنامه را خوانده باشند، آن را تصویب کردند و بعد مفاد اساسنامه در اختیار آنان قرار گرفت!» چه حسی به شما دست خواهد داد؟

روزنامه‌نگاری به من می‌گویند: «آنقدر مانع ایجاد تشکل‌های صنفی خودجوش شدند که بالاخره انجمنی تشکیل شد که همه اعضای هیأت مؤسس آن، مدیران مسؤول و صاحبان امتیاز نشریات بودند. راستی چرا آنها (مدیران و صاحبان امتیاز) می‌خواهند ما به حقوق خود برسیم؟» و این سؤال در ذهن من هم جایی را اشغال می‌کند.

روزنامه‌نویسی که در یک روزنامه تخصصی قلم می‌زند، می‌گوید: «ما یک انجمن صنفی داریم که اولین شرط حضور در آن، این است که ما برویم و از وزارت ارشاد کارت خبرنگاری دریافت کنیم - یعنی کاری که خیلی

از نشریات سال‌هاست در برابر آن مقاومت می‌کنند - به نظر شما این چه جور انجمن صنفی است؟»

روزنامه‌نگار متخصص دیگری معترض است: «رئیس هیأت‌مدیره انجمن ما، یک مدیرمسئول و صاحب امتیاز است. بقیه ماجرا را خودتان حدس بزنید.»

عضو تشکل صنفی مطبوعاتی می‌گوید: «آخرین مجمع عمومی تشکل ما در سال ۱۳۵۸ تشکیل شد و از آن به بعد ما نتوانستیم اجازه‌ای برای تشکیل مجمع عمومی بگیریم؛ ضمن اینکه تشکل ما هنوز وجود دارد.»

و البته این همه ماجرا نیست. حرف‌های دیگری هم گفته می‌شود که شاید پاسخی است به آنچه طرح شد.

عضو هیأت‌مدیره انجمنی مطرح می‌کند: «این درست که هیأت مؤسس این انجمن، همه از مدیران مسؤول و صاحبان امتیاز نشریات هستند، اما همه آنها کنار رفته‌اند و در هیأت‌مدیره عضوی نیست که مدیرمسئول یا صاحب امتیاز باشد.»

عضو انجمنی دیگر می‌گوید: «نگاه کارفرما و کارگری به صاحبان امتیاز و خبرنگاران، نگاهی چپ‌گرایانه است. در مراکز فرهنگی این نگاه بی‌معنی است.»

و روزنامه‌نگار با سابقه‌ای معتقد است: «اینکه در مورد ایجاد تشکل‌های صنفی خیلی دیر اقدام شده، درست؛ اما این دیرکرد و غفلت باید جبران شود. یعنی به دلیل این غفلت، نیاز به انجمن صنفی از بین نرفته است!»

و بالاخره روزنامه‌نگاری با تجربه، وجود «نظام مطبوعاتی» فراگیر و جامع را حلال مشکلات صنفی می‌داند و معتقد است که مهمترین وظیفه انجمن‌های صنفی، بررسی و تدوین و تشکیل یک نظام مطبوعاتی فراگیر است که قدرت قانونی داشته باشد.

نگاهی به روند شکل‌گیری اولین تشکل‌های صنفی مطبوعاتی، می‌تواند نکاتی قابل توجه را در منظر نگاه ما قرار دهد. گر چه بررسی دقیق این مسأله که روز آغازین این ماجرا، کی بود و کار چگونه پی گرفته شد، بحثی نیست که در این مطلب بگنجد، اما اشاره‌ای گذرا شاید برخی نکته‌ها را مشخص کند. مسعود کوهستانی‌نژاد می‌نویسد: «وقوع

انقلاب مشروطه در ایران، تأثیرات عمیقی بر روند کمی و کیفی انتشار جراید و مطبوعات گذاشت. یکی از مهمترین این تأثیرات، پیدایش تفکر گروه‌گرایی و ایجاد تشکیلات مطبوعاتی در ایران بود. دغدغه‌ها و مشکلات مشابه، لزوم مقابله با فشار و اعمال محدودیت‌های دولت نسبت به مطبوعات، از جمله انگیزه‌های مدیران جراید برای ایجاد گروه‌های صنفی بود. حرکت‌های گروهی مدیران جراید در سال‌های پس از انقلاب مشروطه، زمینه‌ساز تشکیل نخستین اتحادیه مطبوعاتی در ایران در سال ۱۳۰۰ ش، گردید. این اتحادیه که عملاً تنها اسمی از یک تشکیلات را به همراه خود یدک می‌کشید، در واقع شامل جلسات نسبتاً منظم و کم‌دوام عده‌ای از مدیران جراید تهران بود که به عنوان عکس‌العملی نسبت به شرایط سیاسی جامعه تشکیل شد و در نهایت نیز به صف‌آرایی در مقابل دولت کشیده شد. به همین دلیل نیز این اتحادیه به سرعت از هم پاشید. پس از آن به دنبال یک دوره رکود نسبتاً طولانی در فعالیت گروهی مدیران جراید، بار دیگر پس از سقوط رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ ش، این‌گونه فعالیت‌ها مورد اقبال و توجه مدیران جراید واقع شد. در دوره دوازده ساله ۱۳۲۲-۱۳۲۰ ش، بیش از ده گروه مطبوعاتی تحت عناوین و انگیزه‌های مختلف شکل یافتند که هر یک پس از مدتی فعالیت به تدریج دچار رکود و در نهایت از هم‌پاشیدگی شدند.<sup>۱</sup>

**مهدی بهشتی‌پور - روزنامه‌نگار سال‌های نه‌چندان دور -** که کتابی درباره تشکیلات صنفی مطبوعاتی، آماده چاپ دارد. می‌نویسد: «حدود ۱۶۰ سال از انتشار نخستین روزنامه فارسی زبان در ایران می‌گذرد، در طول نزدیک به شصت سال اول آن خبری از فعالیت و کوشش صنفی نه از طرف کارفرمایان و نه از جانب اعضای تحریری مطبوعات با توسط کارکنان اداری جراید برای تجمع روزنامه‌نویسان زیر یک سقف و یا فعالیت آنان برای تأسیس یک تشکیلات صنفی مطبوعاتی و چاپخانه‌داری ثبت نشده است. علت آن هم مشخص است. علاوه بر اینکه در مدت مذکور تعداد روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها انگشت‌شمار بود و هر نشریه در چند صد نسخه چاپ می‌شد، مهمتر این بود که تمام نشریات آن دوره زیر نظر



مستقیم مقام‌های مسؤول دولتی، مخصوصاً زیر نظر وزارت انطباعات چاپ و منتشر می‌شد و مطالب آنها عمدتاً پیرامون دیدوبازدیدهای شاهانه و درباریان و حکام وقت و مسایلی از این قبیل بود. ... اما پس از آنکه بر تعداد مطبوعات فارسی زبان در خارج از ایران افزوده شد، چون بسیاری از آنها به صورت مخفی یا غیرمخفی به ایران می‌رسید، در بیداری ایرانیان مخصوصاً روشنفکران و مطبوعاتیان که در نهضت مشروطیت فعال شدند، سهم مهمی داشتند. گفتنی است گروهی که از سال‌ها قبل جهت تحصیل منجمه در رشته ادبیات و روزنامه‌نگاری و صنعت چاپ به خارج از ایران مخصوصاً کشورهای اروپایی سفر کرده بودند و با دنیای غرب و مطبوعات آنجا آشنایی‌هایی پیدا کرده بودند، اینان پس از بازگشت به ایران برای رشد و آگاهی مردم اقدام به نشر تعداد زیادی روزنامه و هفته‌نامه به زبان فارسی در ایران کردند و در نتیجه در میان عده‌ای از نویسندگان و مطبوعاتیان و روشنفکران و آزادیخواهان، فکر ایجاد تشکیلات صنفی قوت گرفت و بنا به نقل قول‌ها و دست‌نوشته‌های موجود، در دوره مذکور تعدادی از نویسندگان و مطبوعاتیان در خانه‌های خود به بهانه دیدوبازدید، جلساتی تشکیل می‌دادند و پیرامون وضع نامطلوب آن زمان و راه مبارزه با حکام وقت، بحث و گفت‌وگو می‌کردند. با توسعه نهضت تجددخواهی و آزادی‌طلبی، فعالیت نویسندگان و مطبوعاتیان بیشتر شد.<sup>۲</sup>

**مهدی بهشتی‌پور** با اشاره به شرایط دوره پس از ترور ناصرالدین‌شاه و سلطنت مظفرالدین‌شاه و صدور فرمان مشروطیت در سال ۱۳۲۴ می‌نویسد: «پس از افتتاح مجلس که هنوز

چندماه به پایان سال ۱۳۲۴ ه. ق. باقی مانده بود و بدون اینکه مقرراتی برای چاپ و انتشار روزنامه‌ها وضع شود، بیش از ۲۵ روزنامه و هفته‌نامه در تهران و چند شهر بزرگ ایران با همان رسم سابق اجازه چاپ گرفتند. جالب‌تر اینکه در سال ۱۳۲۵ ه. ق. که از سال‌های پر جنب و جوش دوران مشروطیت است، حدود ۸۵ نشریه در تهران و چندین شهر مهم ایران علاوه بر نشریات قبلی اجازه چاپ گرفتند و از همین زمان مطبوعات ایران کم‌و کیفیاً متحول و جراید بسیار مهم، پا به عرصه وجود گذاشت که می‌توان گفت در جهت تشویق مردم به مطالعه و مبارزه و از سویی تشویق به شکل‌ها از سوی دیگر نقش بسیار مؤثری داشتند... در این دوره امکان تأسیس یک تشکیلات منسجم مطبوعاتی کاملاً امکان‌پذیر بود ولی به چند علت، منجمه مهمترین آنها، وجود انجمن‌ها و احزاب و گروه‌ها و جمعیت‌ها، نه مدیران و نه نویسندگان آنها نتوانستند انجمن مطبوعات را جدا از سازمان‌ها و انجمن‌های وابسته به گروه‌های سیاسی تأسیس کنند.<sup>۳</sup>

با استناد به نوشته مهدی بهشتی‌پور در «تشکیلات صنفی مطبوعات»<sup>۴</sup> می‌توان به بعضی تشکیلات صنفی اشاره کرد:

- فشار بر مطبوعات سبب شد تا گروهی از مدیران جراید مخالف دولت در مرداد ۱۳۲۱ برای نخستین بار پس از خروج رضاشاه تشکیلات صنفی مطبوعاتی با عنوان «اتحادیه مطبوعات» تشکیل دهند.
- چندماه قبل از تشکیل «اتحادیه مطبوعات»، عده‌ای از مدیران مطبوعات در اصفهان موجودیت انجمن «جبهه مطبوعات اصفهان» را اعلام کردند.
- چندی بعد گروه دیگری از مدیران جراید با رهبری عباس مسعودی - مدیر روزنامه اطلاعات - «انجمن مطبوعات ایران» را برپا کردند.
- تشکیلات صنفی مطبوعاتی «جبهه آزادی» به همت ۱۲ تن از مدیران جراید تهران تشکیل شد (۱۳۲۱) که این تشکیلات را منتسب به جناح چپ می‌دانستند.
- در مقابل این جناح، گروه راست «جبهه استقلال» را تشکیل داد؛
- در شهریور ۱۳۲۲ سیدضیاءالدین

طباطبایی پس از ۲۲ سال تبعید برگشت و در آذر ماه همان سال، مرکزی به نام «اتحادیه ملی مطبوعات»، تأسیس کرد.

تشکیل «جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری» (۱۳۲۵)

تشکیل‌هایی چون «انجمن روزنامه‌نگاران ایران»، «انجمن روزنامه‌نگاران خراسان در مشهد»، «هیأت مؤتلفه مطبوعات»، «مجمع نامدنگاران اصفهان»، «جبهه آزادی مطبوعات»، «جبهه مطبوعات مبارز ملی» و «سندیکای مطبوعات ایران» در هشت سال اول دهه ۲۰ به وجود آمدند و بسیاری دیر و زود تعطیل شدند.

در سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ چند تشکل دیگر از سوی مدیران جراید به وجود آمد:

### ■ در مطبوعات شغل‌های

متفاوت با منافع متفاوت و گاه

متضادی وجود دارند که تفکیک

و تشکل آنها در صنف‌های

مختلف را اجتناب‌ناپذیر

می‌سازد.

### ■ امروز می‌توانیم بگوییم هم

تشکل‌های صنفی متعدد داریم

و هم از مزایای وجود

تشکل‌های صنفی بی‌بهره‌ایم!

«اتحادیه ملی مطبوعات» (۱۳۲۹-تهران)، «جبهه مؤتلفه مطبوعات ملی» و «انجمن روزنامه‌نگاران دمکرات» (۳۰ تا ۱۳۳۱ یزد)، «سازمان روزنامه‌نگاران» (۱۳۳۰-تهران) و «اتحادیه مطبوعات فارس» (۱۳۳۱-شیراز) که همه یکی پس از دیگری تعطیل شدند.

«انجمن خبرنگاران ایران» (۱۳۳۳)، «کانون روزنامه‌نگاران ایران» (۱۳۳۳)، «انجمن مطبوعات ایران» (اواخر دهه ۳۰)، «باشگاه مطبوعات»، «اتحادیه فروشندگان جراید تهران» و اتحادیه فروشندگان جراید خراسان (۱۳۴۱) بعضی دیگر از تشکل‌های صنفی مطبوعاتی این دوره است.

سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات که اولین مجمع عمومی خود را با

حضور ۹۳ تن از نویسندگان، خبرنگاران، مترجمان، عکاسان خبرنگار و کاریکاتوریست‌ها در تاریخ ۲۴ آبان ۱۳۴۱ برگزار کرد.

بهشتی‌پور به تشکل‌ها و انجمن‌های متعددی اشاره می‌کند که تنها به ذکر نام بعضی از آنها اکتفا می‌کنیم: «پرس سنتر»، «سندیکای کارگران صنعت چاپ»، «سندیکای مرکزی صنعت چاپ»، «جامعه مطبوعات نوین»، «خانه مطبوعات ایران»، «کانون نویسندگان»، «شورای نویسندگان و هنرمندان»، «انجمن زنان روزنامه‌نگار»، «انجمن مطبوعات ایران وابسته به حزب ایران‌نوین»، «کانون مطبوعات علمی ایران» و «مطبوعات کشاورزی ایران»، «سندیکای کارکنان اداری وسایل ارتباط جمعی»، «کانون خبرنگاران عکاس»، «انجمن سردبیران مطبوعات»، «انجمن دفاع از آزادی مطبوعات»، «تعاونی مطبوعات»، «گروه ورزشی نویسان و عکاسان خبرنگار ورزشی عضو سندیکا»، «انجمن مطبوعات ورزشی نویسان»، «انجمن نویسندگان ورزشی و عکاسان ورزشی»، «انجمن سینمایی نویسان» و «انجمن ویراستاران مجلات علمی ایران».

### پنج گروه شغلی با منافع متفاوت

همان‌طور که سیر تاریخی شکل‌گیری تشکل‌های صنفی در مطبوعات ایران نیز نشان می‌دهد، شاغلین حرفه‌های مختلف در مطبوعات را نمی‌توان در یک تشکیلات صنفی واحد جای داد. در مطبوعات شغل‌های متفاوت با منافع متفاوت و گاه متضادی وجود دارند که تفکیک و تشکل آنها در صنف‌های مختلف را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. گذشته از آن پذیرش این نکته نیز برای روزنامه‌نگاران قدری مشکل است که «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران» توسط مدیران مسئول روزنامه‌ها تأسیس شود. چرا که انجمن صنفی روزنامه‌نگاران باید خود را موظف بداند که از حقوق اعضای خود در برابر منافع کارفرما - که همان صاحبان امتیاز و مدیران مسئول نشریات هستند - دفاع کند. بنابراین می‌توان چنین تصور کرد که اگر چنین نهاد صنفی‌ای توسط مدیران مسئول و صاحبان امتیاز تأسیس شود، باید یک جای کار، لنگ باشد. مثلاً باید بپذیریم که منافع صنفی

روزنامه‌نگاران و صاحبان امتیاز می‌تواند یکی باشد (فرضاً روزنامه‌نگاران و صاحبان امتیاز هر دو خواهان افزایش دستمزدها باشند و یا هر دو خواهان کاهش ساعات کار هفتگی باشند). البته این گمان بیشتر به واقعیت نزدیک می‌نماید که تنها نقطه مشترک از تشکل صنفی روزنامه‌نگاران در ذهن روزنامه‌نگاران و مدیران مسئول که اقدام به تأسیس چنین نهادی کردند، فقط اسم این تشکیلات بوده است! یا اینکه بپذیریم اصولاً قرار نبوده این «نهاد صنفی» به دنبال کار صنفی، منافع صنفی، علائق صنفی و مفاهیمی از این دست باشد! بهتر است قبل از هر تصمیمی، ابتدا بپذیریم که شغل‌های متفاوت، نیازها، خواسته‌ها و منافع متفاوتی را نیز به دنبال خواهد داشت.

مهدی بهشتی‌پور به عنوان صاحب‌نظری که در زمینه تشکل‌های صنفی مطبوعاتی مطالعات و بررسی‌های زیادی دارد، معتقد است: «در مطبوعات پنج گروه‌های شغلی وجود دارد که به هیچ‌وجه منافع مشترک ندارند و از این رو نمی‌توان آنان را در تشکیلات صنفی واحدی متشکل کرد. این پنج گروه عبارتند از: اعضای تحریری که به آنان ژورنالیست می‌گویند، «کارکنان مطبوعات» یعنی کادر دفتری و اداری، «کارگران چاپخانه‌ها»، «صاحبان امتیاز و سرمایه‌گذاران جراید»، «صاحبان چاپخانه‌ها» و بالاخره «فروشندگان جراید».

بدیهی است که هر یک از این گروه‌ها، دارای حقوق و منافع صنفی خاص خود هستند و برای دفاع از حقوق و حرفه خاص خویش به تشکیلات خاص خود نیاز دارند. مثلاً «صاحبان امتیاز و سرمایه‌گذاران مطبوعات» یعنی مدیران اصلی جراید که دارای منافع مشترک هستند (که تقریباً در چند سال اخیر زیرنام «تعاونی مطبوعات» متشکل شده‌اند) محتاج تشکیلات ویژه خود یعنی کارفرمایی هستند و اعضای تحریری یعنی «ژورنالیست‌ها»، شامل نویسندگان، خبرنگاران، دبیران، سردبیران، کاریکاتوریست‌ها، مترجمان، عکاسان خبری، طراحان و گرافیک‌ها که از ۳۵ سال قبل در تشکیلاتی به نام سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات متشکل شده‌اند.

همچنین است در مورد «کارکنان اداری وسایل ارتباط جمعی» که امور اداری و دفتری مؤسسات مطبوعاتی را به عهده دارند، نیازمند تشکیلات جداگانه‌ای هستند. چنانکه سابقاً هم چنین تشکیلاتی داشتند، «صاحبان چاپخانه‌ها» و به عبارت دیگر سرمایه‌گذاران در «صنعت چاپ» و «کارگران چاپخانه‌ها» که آنان نیز در چند دهه اخیر هرکدامشان تشکیلات جداگانه‌ای داشته و دارند و امید است بعد از این نیز هرکدام تشکیلاتشان را به صورت جداگانه نگهدارند، حتی «فروشندهگان جراید» که آنان نیز به‌طور جداگانه در تهران و بسیاری شهرستان‌ها دارای تشکیلاتی هستند.

نهادهای صنفی روزنامه‌نگاران نیز، همانند حرفه‌شان جایگاهی تعریف‌شده در جامعه

## ■ متأسفانه - علیرغم وجود تشکل‌های صنفی مطبوعاتی -

### روزنامه‌نگار ایرانی هنوز احساس امنیت شغلی نمی‌کند.

## ■ روزنامه‌نگاران می‌پرسند

### تشکل‌های صنفی باید اعلام

### کنند که چه برنامه‌هایی برای

### ارتقای منزلت اجتماعی

### روزنامه‌نگاری، امنیت شغلی

و... دارند.

ندارند. از سالهای دور جمعی روزنامه‌نگار تشکیلاتی به نام سندیکا ایجاد کرده بودند که قرار بود روزنامه‌نگاران را برای احقاق حقوق صنفی‌شان متشکل نماید. فرازونشیبهای فراوانی طی شد تا امروز به جایی رسیده‌ایم که می‌توانیم بگوییم هم تشکل‌های صنفی متعدد داریم و هم از مزایای وجود تشکل‌های صنفی بی‌بهره‌ایم!

در بررسی‌هایمان به اینجا رسیدیم که در حال حاضر شش تشکل صنفی در جامعه روزنامه‌نگاری ایران امروز فعال است اما بررسی‌ها همچنین نشان می‌دهد که علیرغم وجود این تشکل‌ها، هنوز «روزنامه‌نگار ایرانی» خود را تحت حمایت هیچ تشکیلات صنفی نمی‌داند. هیچ احساس امنیت شغلی از وجود چنین

تشکل‌هایی نکرده و نمی‌کند و برای دستیابی به حقوق صنفی خود امید چندانی محکمی هم به هیچیک از این تشکل‌ها ندارد. پس از این روست که ما روزنامه‌نگاران به این باور رسیده‌ایم که جایگاه شغلی و منزلت اجتماعی مناسبی نداریم زیرا از نعمت وجودی تشکل صنفی مقتدری که تأمین‌کننده منافع و خواسته‌هایمان باشد بی‌بهره‌ایم و باز بر این باوریم که علت بی‌بهره بودنمان از وجود یک تشکل صنفی مقتدر، عدم بهره‌مندی‌مان از منزلت اجتماعی مناسب است. یعنی مانده‌ایم که اول مرغ بوده است یا تخم‌مرغ! به کدام بپردازیم؟ اول به تشکل صنفی دست پیدا کنیم تا صاحب منزلت اجتماعی شویم یا اول منزلت اجتماعی کسب کنیم تا بتوانیم تشکل صنفی حامی و مقتدری ایجاد کنیم؟

در جامعه امروز مطبوعات ایران همان‌طور که ذکر شد حداقل شش تشکل صنفی فعال است: «سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات»، «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران»، «انجمن صنفی نویسندگان و خبرنگاران آزاد»، «انجمن نویسندگان و عکاسان ورزشی»، «انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی» و «انجمن منتقدان تئاتر» از این جمله‌اند. البته اسانامه‌هایشان با اندک تفاوتی یکی است اما هر یک حرفه‌هایی دارند. آن یکی به قدمت خود می‌بالد و آن دیگری به جوان بودن افتخار می‌کند. اما حرف اصلی کم یا زیاد بودن تشکل‌ها نیست، باید برای جایگاه آنها در جامعه و نقش آفرینی‌هایشان فکری کرد. باید چاره‌اندیشی کرد که چگونه این تشکل‌ها می‌توانند قادر به ایجاد و حفظ شغل برای روزنامه‌نگاران باشند؟ چگونه قادر خواهند بود منزلت اجتماعی روزنامه‌نگار ایرانی را ارتقا بخشند؟ و دهها چرا و چگونه دیگر. آنچه مهم است توجه به این واقعیت است که ما روزنامه‌نگاران قبل از هر چیز، ابتدا باید خود را باور کنیم. باید باور کنیم که اگر منزلت اجتماعی روزنامه‌نگار در جامعه دیروز و امروز ایران آنچنان که باید مناسب و وظایف و مسئولیت‌هایش نیست، قبل از هر کس و هر نهادی، خودمان مسئولیم. باید بپذیریم که اگر تشکل‌های صنفی‌مان آنچنان که باید از اقتدار لازم برای حمایت از ما برخوردار نبوده‌اند و از سستی

جایگاهشان گله داریم، ما نیز در این وضع مسئولیت داشته و داریم. باید قبول کنیم که برای ایجاد و دستیابی به تشکلی که واقعاً با اقتدار کامل بتواند در تمام فرازونشیبهای شغلی و زندگی پشتیبان و حامی‌مان باشد، باید با پیش‌بگذاریم، کمر همت ببندیم، دست یکدیگر را به گرمی بفشاریم و پشت به پشت هم برای تغییر وضعیت‌مان تلاش کنیم. باید نهال‌های موجود را «بارور» کنیم و «تومند» و این البته یک‌شبه حاصل نخواهد شد اما شدنی است.

رسانه در شماره حاضر با چنین دیدگاهی به بررسی تشکل صنفی روزنامه‌نگاران پرداخته است. به سراغ مسئولان تشکل‌هایی که امروز کم‌وبیش فعالیت‌هایی دارند رفته‌ایم. با روزنامه‌نگاران گفت‌وگو کرده‌ایم و جمعی از صاحب‌نظران با مقالات کاربردی و تحقیقی خود، یاور ما در این راه بوده‌اند.

سخن به درازا کشید و باز حرف‌هایی ناگفته ماند. حتماً تشکل‌هایی وجود دارند که در این مجموعه مطرح نشدند. تشکل‌هایی که نه یا نوبا که شاید هر یک باری از دوش این جماعت خسته بردارند. اما حرف آخر این است که امروز علی‌رغم سابقه ۱۶۰ ساله مطبوعاتی در جامعه ما و با وجود پیشینه بعضی تشکل‌های صنفی و بی‌آنکه بخواهیم تلاش‌های پیش‌کسوتان و خاک ره خورندگان را نفی کنیم، به جرأت می‌توان گفت در آغاز راهیم و راه ناپیموده، پس طولانی. قدم‌نهادن در این راه حتماً کفش آهنین و دلی قرص و مطمئن می‌طلبد. باید مطمئن باشیم که گام‌نهادن در این مسیر بدون آنکه کوه‌بار خود را از «گذشت» و «تجربه‌های بزرگان» پر کرده باشیم، فقط ماندن در نیمه راه یا انحراف از مسیر اصلی را به دنبال خواهد داشت. با هم پای حرفهای روزنامه‌نگاران و دست‌اندرکاران می‌نشینیم. □

### پی‌نویس‌ها:

۱. کوهستانی‌زاد، سعود - نگاهی به روند شکل‌گیری انجمن روزنامه‌نگاران ایران - رسانه - سال هفتم شماره ۱، بهار ۱۳۷۵ - ص ۷۴.
۲. بهشتی‌پور، مهدی - تشکل‌های صنفی مطبوعات، ماهنامه فرهنگی و هنری کیلک، ویژه‌نامه مطبوعات ایران - اسفند ۱۳۷۵، شماره ۸۴، ص ۲۰۰ و ۲۰۱.
۳. همان منبع، ص ۲۰۱ و ۲۰۲.
۴. همان منبع.



پیشرفت و بهبود وضع عمومی اعضا و حفظ عفت قلم و بالا بردن سطح مطبوعات طبق ماده ۲۵ قانون کار، سندیکایی به نام سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات که در این اساسنامه سندیکا نامیده می شود، تأسیس می گردد.

تشکیل آخرین مجمع عمومی این سندیکا و انتخاب هیأت مدیره در ۲۶ مهرماه ۱۳۵۸ انجام گرفته است. پس از آن این تشکیلات وضعیلات تکلیفی را پشت سر گذاشته است.

اعضای سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات، عمری بیش از ۳۵ سال را برای این تشکیلات صنفی به رسمیت می شناسند. نخستین مجمع عمومی سندیکا در سال ۱۳۴۱ تشکیل شده و اساسنامه تدوین شده پس از اصلاحاتی به تصویب رسیده است.

در ماده اول اساسنامه این سندیکا آمده است: «به منظور تقویت روح همکاری بین نویسندگان و خبرنگاران و حفظ حقوق صنفی و

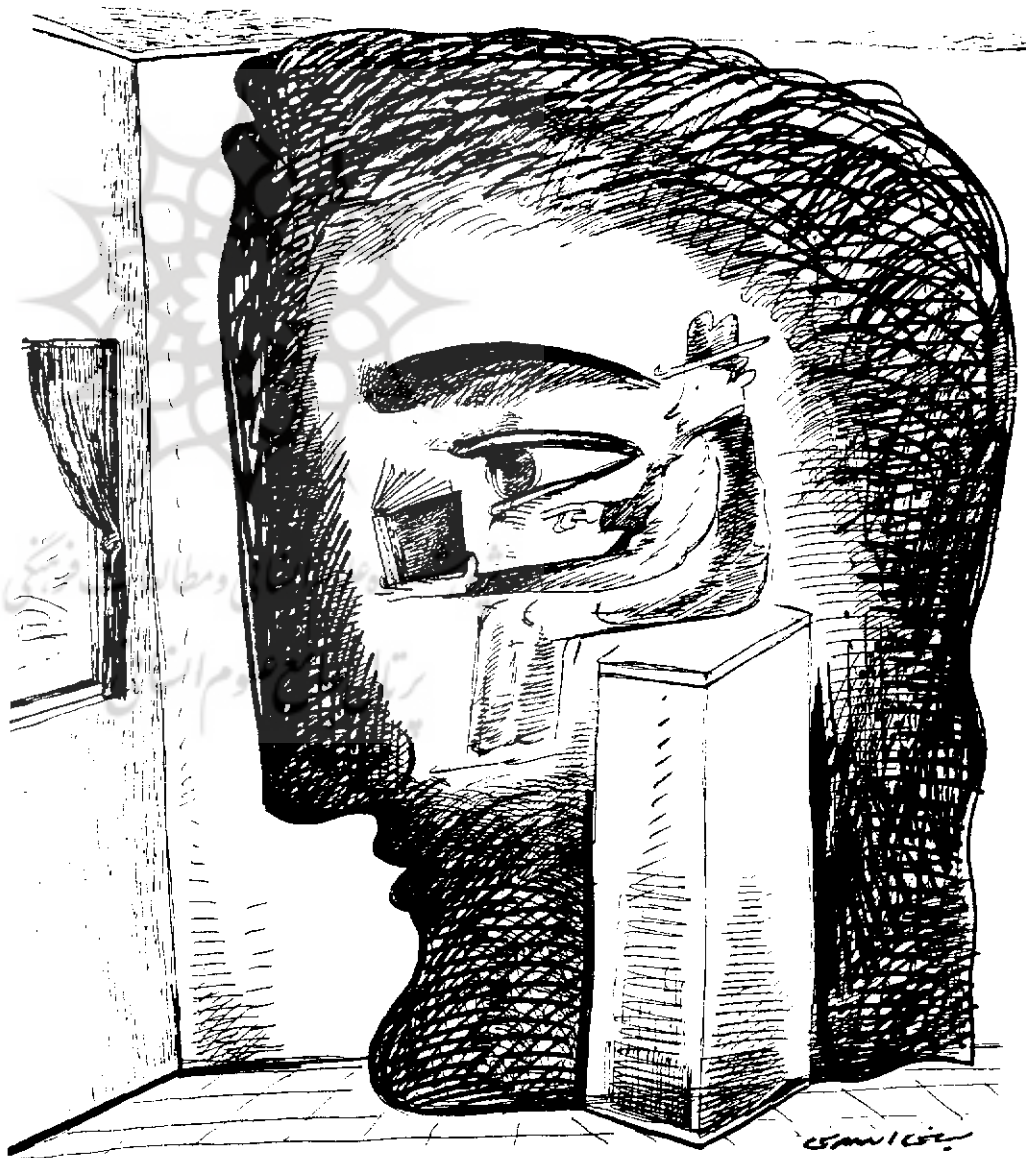


## محمد بلوری رئیس هیات مدیره سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات:

### وزارت کار باید تکلیف سندیکا را مشخص کند

محمد بلوری رئیس هیأت مدیره این سندیکا می گوید: «سندیکا در سال ۱۳۴۱ برای دفاع از حقوق صنفی نویسندگان در برابر کارفرمایان تشکیل شد. در سال ۵۸ آخرین مجمع عمومی برای تعیین اعضای هیأت مدیره جدید برگزار شد. به گفته وی در آن مجمع، محمد حیدری، به عنوان دبیر هیأت مدیره، بلوری به عنوان رئیس هیأت مدیره و مسعود مهاجر به عنوان خزانه دار انتخاب شدند، وی اضافه می کند: در روزهای انقلاب سندیکا، اعتصاب مطبوعات را رهبری کرد، بچه ها دو ماه بیکار بودند که صندوق بیکاری سندیکا آنها را تأمین می کرد.

در سال ۱۳۶۰ دوره هیأت مدیره ما تمام شد که با جنگ مصادف بود و عوارض و مشکلاتی داشت که عمده فعالیت های سندیکا متوقف ماند. ما بلافاصله بعد از پایان دوره دو ساله هیأت مدیره، تقاضای تشکیل مجمع عمومی را دادیم که وزارت کار به دلیل جنگ مخالفت کرد. بعد از پایان جنگ ما تقاضای خود را ارائه دادیم و در نوبت قرار گرفتیم. دائم مسأله را پیگیری می کردیم تا اینکه هیأت دولت آئین نامه ای تصویب کرد که سندیکاها به شکل جدیدی تجدید فعالیت کنند. وزارت کار با تصویب این آئین نامه، تشکیلات صنفی را در قالب انجمن های صنفی تأیید کرد و اساسنامه «مادر» را به ما دادند که اساسنامه جدیدی را براساس آن تنظیم کنیم. خلاصه اینکه در این چندسال جواب درستی از سوی وزارت کار به ما داده نشد، گاهی موافقت می کردند و گاهی می گفتند کار سندیکا به این دلیل بلا تکلیف مانده که حساسیت هایی در مورد آن به وجود آمده



بیژن انصاری